بسم الله الرحمن الرحیم

ایجاد انگیزه

**زیارت، تجدید عهد**

هدف ما از زیارت این است که عهدمان را تجدید و کامل کنیم؛ چرا که خیلی وقت ها از عهدمان تخلف می کنیم، در واقع تخلفِ گناه بر هم زدن این عهد است. در روایتی در سفینه البحار آمده: «اگر آخر شب حساب و کتاب کردید و متوجه شدید که در طول روز مرتکب گناه شده اید چند کار انجام دهید: اول این که عهدتان را با امیرالمؤمنین(ع) نو کنید». گویا گناه خروج از عهد ولایت است، پس لازم است پس از ارتکاب گناه دوباره با امیرالمؤمنین(ع) بیعت کنیم؛ چون قرار این بود که ما دنبال حضرت حرکت کنیم. در روایت می فرماید: «اگر گناه کردید استغفار کنید و عهدتان را با امیرالمؤمنین(ع) نو کنید که تجدید این عهد یعنی تجدید عهد تبری از دشمنان امیرالمؤمنین(ع)». چون انسان زمانی که گناه می کند، در واقع از تبری آن ها خارج شده است چرا که گناه از امیرالمؤمنین(ع) نیست بلکه از ناحیه دشمنان حضرت است و کسی که مرتکب گناه می شود در واقع زیر چتر دشمنان امیرالمؤمنین(ع) رفته است. لذا وقتی این عهدهایمان کهنه می شود در محضر امام رضا(ع) عهدهایمان را تکرار، کامل و نو می کنیم، همان طور که هر روز صبح در دعای عهد عهدمان را نو می کنیم. نکته اول این که زیارت تجدید عهد با امام است. حتی اگر انسان کمترین تخطّی از ولایت امام مرتکب شود، باید دوباره عهدش را نو کند.

متن ومحتوا

**زیارت، قصد تقرب به خدای متعال از مسیر ائمه(ع)**

نکته دوم این که زیارت چیزی جز حرکت به سمت خدای متعال و قصد خدای متعال نیست . البته با توجه به این نکته که قصد خدای متعال از مسیر ولایت ائمه(ع) می گذرد؛ همان طور که در زیارت جامعه کبیره این طور آمده: «من أراد الله بدأ بکم» هر که اراده توحید می کند و می خواهد به سمت خدا برود و به مقامات توحیدی برسد باید از مسیر ائمه(ع) که صراط مستقیم و صراط معرفت و بندگی و راه عبودیت و محبت خدا هستند طی طریق کند. بنابراین زیارت قصد تقرب به خدای متعال و عین توحید است ، یعنی برخلاف آنچه که دشمنان اهل بیت(ع) می گویند و کج فهمی دارند نه فقط زیارت شرک نیست بلکه عین توحید است و اگر کسی می خواهد به توحید برسد راهش زیارت امام(ع) است. در زیارت علی بن موسی الرضا ثامن الحجج ارواحنا فداه این طور آمده که فرمود: «وقتی از خانه خودتان خارج می شوید و می خواهید از شهر خودتان به سمت مشهد مقدس حرکت کنید، درب منزلتان بایستید و این چند جمله را بگویید: "بسم الله و بالله و إلی الله و إلی ابن رسول الله، حسبی الله توکلت علی الله، أللهم إلیک توجهت و إلیک قصدت و ما عندک أردت"».(1)

در این فراز هشت جمله است، می فرماید: « آغاز سفرتان ابتدا بگویید: "بسم الله و بالله"»، چرا که می خواهید در وادی ولایت معصوم که وادی خیلی با عظمتی است پا بگذارید و جز با استمداد از خدای متعال کسی نمی تواند زائر شود. پا به حریم ولایت معصوم گذاشتن نیاز به استمداد وکمک گرفتن از خدا دارد، در این مسیر نمی شود به حول و قوه و توانایی ها و و ذهن و روح و ریاضت خود تکیه کرد بلکه باید با اتکا به حضرت حق و با استعانت از خدای متعال قدم در وادی زیارت و توحید گذاشت؛ «بسم الله و بالله». حال مقصدتان چیست که با بسم الله شروع می کنید؟ کجا می خواهید بروید؟ «بسم الله و بالله و الی الله» سفر، سفر الی الله است یعنی از خانه تان که بیرون می آیید مهاجر الی الله هستید. البته با توجه به این نکته که در هجرت به سوی خدا و چهارمین جمله این است: «و الی ابن رسول الله» یعنی وقتی می خواهید به سوی خدا بروید از طریق امام رضا(ع) می روید. یعنی در آغاز سفر این طور می گوییم: "حرکت می کنم به سوی فرزند رسول خدا(ص)". این حرکت به سوی امام رضا(ع) که فرزند رسول الله(ص) است؛ در واقع حرکت الی الله است. «بسم الله و بالله»، آغاز راه و مقصد «إلی الله و إلی ابن رسول الله» است. در این فراز این طور نیامده: «إلی ابن رسول الله و إلی الله» چون قصد اول از زیارت، خدا است ولی این مقصد از مسیر تقرب و زیارت امام و از وادی ولایت امام(ع) عبور می کند. چطور انسان بدون نماز و روزه و شب زنده داری نمی تواند به خدا برسد در حالی که این عبادات در مقابل امام مهم نیستند، امام(ع) اصل همه عبادات و طریق توحید است، امام صراط مستقیم، باب الله، سبیل الله و وجه الله است. پس نکته دوم این که ما وقتی زیارت می کنیم مقصدمان خدا است و می خواهیم به خدا برسیم لذا همان ابتدا باید دم در بایستیم و بگوییم: «بسم الله و بالله» و حرکت در این وادی را با نام خدا و با استعانت از خدای متعال شروع کنیم، چون سفر به سوی خدا است. حال کسی که می خواهد سفر «الی الله» داشته باشد باید از مسیر «الی ابن رسول الله» حرکت کند، باید رو به امام رضا(ع)، امیرالمومنین(ع) و وجود مقدس رسول الله(ص) بیاورد و راه دیگری جز این راه نیست.

«حسبی الله، توکلت علی الله» حال در این سفر بزرگ و با عظمت که سفر در وادی ولایت و وادی توحید است هیچ سرمایه ای نداریم جز خداوند متعال: «حسبی الله»، دست خالی هستیم و خدای متعال ما را کفایت می کند و برای این مسافرت با عظمت و پر هیبت زاد و توشه ای جز خود خدا و توکل کردن بر خدا نداریم: «توکلت علی الله»، در این مسیر به خدا توکل می کنم.

«أللهم إلیک توجهت و إلیک قصدت و ما عندک أردت»، خدایا من به تو توجه کردم و این که رو به امام رضا(ع) می آورم در واقع می خواهم به آن خزائنی که در نزد توست برسم و مقصد واقعی من آنجاست، اما این مقصد با ولایت امام(ع) حاصل می شود. لذا زائر امام رضا(ع) باید «راحل الی الله» باشد و به سوی خدا کوچ کند. باید توجه داشت که «راحل» به معنای مسافر نیست، مسافر وقتی به سفر می رود مقصدش این است که به وطنش بازگردد، وطنش پشت سرش است ولی کوچ نشین وطن ندارد و وطنش همیشه پیش رویش است. کسی که راحل شد یعنی تعلقات خودش را کنار گذاشته و وطنی ندارد. وطنش فقط محضر خداست و دائما می خواهد به آن سمت برود، چنین کسی زود به مقصدش که همان خداوند متعال است می رسد. تعبیر امام سجاد(ع) در دعای ابوحمزه این است: «أن الراحل إلیک قریب المسافة» کسی که به سوی خدا کوچ می کند مسافتش نزدیک است. علت این که ما نمی رسیم این است که وقتی می رویم دلمان می خواهد برگردیم، با همه وجود نمی رویم؛ در حالی که تعلقاتمان پشت سرمان است می رویم یک سلامی می کنیم و بر می گردیم به وطنمان. همین طور علت این که نمازمان ما را به مقصد نمی رساند این است که نماز ما معراج نیست، می رویم نماز می خوانیم دوباره بر می گردیم به دنیایمان؛ اگر کسی اهل صلات شد با هر نماز از دنیا جدا می شود.

پس نکته دوم در زیارت این است که ما وقتی با امام تجدید عهد ولایت می کنیم در واقع تجدید عهد توحید است. ما به سوی امام که می آییم ، رو به خدا می آوریم و: «من أراد الله بدأ بکم» کسی که می خواهد رو به سوی خدا بیاورد باید از باب امام وارد شود. امام باب الله و سبیل الله است. انسان باید این مسیر را طی کند که پایان آن توحید است. این وادی از همان ابتدا که وارد می شوید وادی توحید و سیر در مقامات توحید است. پس این که می گویند زیارت کردن شرک است ، ناشی از کج فهمی و اشتباه در فهم آن ها است. چرا هیچ وقت نمی گویند نمازخواندن شرک است با وجود این که در نماز هم ما حرف هایی می زنیم، رفتارهایی می کنیم، چطور از این راه به سوی خدا رفتن شرک نیست ولی از راه امام رفتن شرک است، العیاذ بالله آیا امام به اندازه نماز خواندن ما هم ارزش ندارد؟

**اذن دخول، راه رسیدن به باطن حرم**

نکته سوم این که حرم بیت النور است، از خانه های نبوت است. وقتی انسان به سوی امام می آید و به حرم امام می رسد، فرموده اند:«دم در حرم بایستید و اذن دخول بخوانید». اذن دخول یعنی این که بدانید این جا جای مهمی است، نمی توان سر را زیر انداخت و رفت. هنگام ساخت حرم مرحوم شیخ بهایی به معمار حرم گفته بود: دربند آخری را که می خواهی بسازی صبر کن من بیایم. معمار دو سه شب پی در پی در خواب امام رضا(ع) را دید که به او فرمودند: "بساز و کارت را ادامه بده"، او هم ساخت. شیخ بهایی آمدند و گفتند: چرا این کار را کردی؟ گفت: آقا امام رضا(ع) در خواب دستور فرمودند و چون خواب سه بار تکرار شد من هم ساختم. شیخ بهایی فرمودند: من می خواستم یک طلسمی در این جا ایجاد کنم که اهل یک سلسله گناهان شدیده از این به بعد نتوانند جلوتر بیایند ولی امام رضا(ع) اجازه ندادند. فرمودند: بگذارید همه بیایند، این جا دریاست؛ همه باید بیایند شستشو شوند، نمی شود گناهکار در دریا خودش را نشوید..

بنابراین حرم امام رضا(ع) که مشرف می شویم به همه اجازه ورود داده اند، ولی یک مقاماتی است که بدون اذن دخول نمی توان وارد شد. حرم امام مانند قرآن است ظاهر و باطن دارد، باطنش هم باز بطنی دارد. در ظاهر همه دوستان می آیند و همه هم بهره می برند ولی برای اجازه ورود به باطن باید با همان عبارات اجازه بگیریم: خدایا این یکی از خانه های پیغمبر توست خودت فرمودی بی اجازه وارد نشوید، من معتقدم امام زنده است هم می بیند و هم می شنود. اگر کسی معتقد نیست که امام زنده است دلیلی ندارد محضر امام بیاید. امامی که العیاذ بالله از نظر آنها از دنیا رفته، نمی شنود و نمی بیند که زیارت کردن ندارد، با این طرز تفکر لازم است انسان از همان دم درب حرم برگردد. شخصی امام جماعت مسجد النبی(ص) بود، گفته بود: من سی سال است اینجا می آیم یک سلام به این پیغمبر نکردم چون مرده و از دنیا رفته است و در این حالت سلام کردن فایده ای ندارد. این در حالی است که همین آدم در هر نمازی که می خواند وقتی از معراجش بر می گردد سر راه می گوید: «السلام علیک أیها النبی و رحمة الله و برکاته». این شخص اگر زنده است و در نمازش به معراج رفته سر راه به پیغمبر سلام می کند، باید به او چنین گفت: بی انصاف اشتباه نگیر، تو مرده ای ، نه پیغمبر. کسی که امام را زنده نمی داند، خودش مرده است ؛ اگر زنده بود می فهمید که حیات ما به حیات امام است.

نکته سوم این است که اذن دخول را به دقت بخوانیم از امام اجازه بگیریم تا درهای باطن حرم به رویمان باز شود و امیدوار به امام باشیم چرا که در آخرین جمله اذن دخول به امام رضا(ع) و یا هر امام دیگر این طور می گوییم: "آقا آن اجازه ای که به بهترین دوستان و زائرانت می دهی به من بده"، یعنی آن اجازه ای که به سلمان، ابوذر و یا به بهترین عالِم فقیه داده اید، همان اجازه را به من بدهید؛ من اهلیت ندارم ولی شما اهل کرم هستید. اگر کسی این طور امیدوار بود و دم در حرم این طور اجازه گرفت، درهای باطن حرم به رویش باز می شود. چرا که حرم، محل رفت و آمد انبیا و ملائکه است. اگر کسی را به حرم راه دادند باید نَفَس ملائکه را بشنود، بوی آنها را استشمام کند و بوی بهشت را در آن جا بشنود. باطن حرم امام رضا(ع) واقعا بهشت است.

در اذن دخول حرم امام حسین(ع) فرازهایی است که در اذن دخول های عمومی نیست. در حائر حرم امام حسین(ع) این طور می گوییم: «...عبدک و ابن عبدک و ابن أمتک...»(2) یعنی این کسی که در خانه شما ایستاده، بنده و بنده زاده شماست یعنی پدر و مادرش هم بنده بودند. البته در معنای "بندگی"، امام رضا ارواحنا فداه این طور فرمودند:« به همه بگویید که من و اجدادم هیچ یک نگفته ایم که مردم بنده ما هستند و در عبادت باید ما را عبادت کنند، عبادت فقط مخصوص خداست» : «ایاک نعبد و ایاک نستعین». اما در طاعت عبد ما هستند و هر چه می گوییم باید گوش دهند.(3) البته اگر می خواهند به خدا برسند اگر هم نمی خواهند که راه های دیگر هست آزاد هستند ؛ ولی اگر می خواهند به خدا برسند باید تسلیم ما باشند و در طاعت عبد ما باشند، هر چه می گوییم گوش کنند تا به مقصد برسند. اگر هم نمی خواهند به خدا برسند راه های دیگری انتخاب کنند. در این وادی انسان باید دمِ در همه ی تعلقاتش را بریزد و بگوید: آقا عبد شما هستم، بنده و بنده زاده شما هستم، هر چه بگویید من گوش می دهم اگر یک جایی هم تخلف می شود عمد نیست.فرمودند : زیارت که می روید توجه تان به خودتان باشد، زبانتان مشغول به اذکار توحیدی باشد: «سبحان الله، الحمد لله و لا إله إلا الله»، این طور آماده شده و وارد حرم امام شوید.

**زیارت نامه و سلام به شئون مختلف امام و گشوده شدن راه بسوی خدا**

یکی دیگر از آداب زیارت این است که در حرم امام زیارت نامه بخوانید. زیارت نامه یعنی به امام سلام کرده و عهدتان را با امام نو کنید. عهد های ما همین فرازهایی است که در زیارت نامه می خوانیم. زیارت جامعه کبیره و بقیه زیارات قرارهای ما با امام(ع) است. آن وقت به هر شأنی از شئون امام که سلام می کنید، بابی از همان شأن به سوی شما گشوده می شود. در زیارت جامعه این طور می گوییم: «السلام علی محال معرفة الله» شما محل استقرار معرفت خدا هستید، «مساکن برکة الله». به امام عرضه می داریم: «التامین فی محبة الله» شما در مقام محبت به مقام تمام رسیدید، «المخلصین فی توحید الله» در توحید به مقام اخلاص رسیدید و... . به هر مقامی از مقامات امام که سلام می کنید آن مقام بابی است به سوی توحید و یک در به سوی توحید به روی شما باز می شود. هر مقامی از مقامات امام راهی است به سوی خدا که اگر درست به آن مقام سلام کنید، از همان مقام هم جواب می شنوید و آن باب به رویتان باز می شود. هر صفتی از صفات امام و هر کمالی از کمالات امام یک راهی است به سوی خدا. وقتی به یک صفت امام سلام می کنید غیر از این است که به صفت دیگرش سلام می کنید، این سلام یک جواب دارد و آن سلام جواب دیگری دارد. به فرض اگر به امام به عنوان کَرَمش سلام کردید درهای کَرَم امام باز می شود، اگر به عنوان علمش سلام کردید درهای علم امام باز می شود. سلام در واقع عرض تواضع و ادب و خضوع است و اگر توجه داشته باشیم به هر شأنی از شئون امام که سلام می کنیم؛ از همان شأن جوابی می آید و یک راه به سوی خدا باز می شود. با سلام بعدی راه دوم گشوده می شود، با سلام بعدی راه سوم و... . پس وقتی ما زیارت نامه می خوانیم ،در واقع تجدید عهد ما با امام(ع) است. اقرار می کنیم که آقا ما برای شما این مقامات را قائل هستیم و می خواهیم از این راه به سوی خدا برویم. از هر اسم و صفتی از اسماء و صفات شما یک راهی به سوی خدا باز می شود و ما می خواهیم این راه را طی کنیم.

نکته چهارم این که در واقع با خواندن زیارت نامه راه های ما به سوی خدا گشوده می شود لذا در بسیاری از زیارات این طور آمده است که: قبل از خواندن زیارت نامه ابتدا تکبیر بگویید. به طور مثال در زیارت جامعه کبیره امام هادی(ع) فرمودند: «اول شهادتین بگویید» چرا که اگر انسان به توحید و نبی اکرم(ص) معتقد نباشد، زیارت امام(ع) معنایی ندارد. بعد می فرمایند: «صد تکبیر بگویید»؛ در معنای این تکبیرات بعضی از بزرگان فرموده اند که : گفتن تکبیر قبل از شروع زیارت برای این است که مبتلا به غلو در حق امام نشوید و عظمت الهی در دلتان جلوه کند؛ چون غلو یعنی انسان امام را خدا بداند. بعضی دیگر از بزرگان این طور فرموده اند که : این تکبیرات برای این است که اگر انسان کبریای الهی را درک نکند و گردی از عظمت و کبریای الهی بر دل ننشیند، عظمت امام را نمی فهمد.

زیارت جامعه کبیره غلو نیست چون همه مقاماتی که برای امام ذکر می کنید ذیل توحید است: «التامین فی محبة الله، المخلصین فی توحید الله». و یا قرآن کریم می فرماید: «بَلْ عِبادٌ مُكْرَمُونَ \* لا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُون‏»(انبیاء/26-27) شما بندگان مکرم خدا هستید هیچ حرفی نمی زنید الا این که خدا فرموده، سبقت در قول به خدا نمی گیرید و هر چه خدا فرموده عمل می کنید. در این فرازها هیچ جمله غلو آمیزی وجود ندارد، این تکبیرات برای این است که انسان یک توجهی به کبریای الهی پیدا کند و ذیل عظمت و کبریای خدای متعال مقامات ائمه(ع) را بفهمد. اگر انسان یک تجلی از کبریای الهی و گردی از عظمت خدا بر دلش ننشیند، مقام امام را نمی فهمد چون همه مقامات امام ذیل خدا تعریف می شود: «خلیفة الله»، «باب الله»، «وجه الله»، «عباد الله» و... ائمه(ع) صراط خدا هستند، این عبارات که غلو نیست ولی اگر انسان عظمت خدا را نفهمیده باشد نمی فهمد که «التامین فی محبة الله» و یا «المخلصین فی توحید الله» چه مقامی است، چرا که انسان اول باید عظمت خدا را درک کند؛ وقتی درک کرد می فهمد که کسی که در مقام محبت به مقام تمام رسیده و یا در مقام توحید به مقام اخلاص رسیده است و امثال این ها، چه مقام بزرگی دارد. بنابراین کسی نباید فکر کند که در این زیارات غلو هست، این زیارات را باید خواند و هر کلمه اش یک مقامی از مقامات ائمه(ع) است که باید به آن مقام توجه کنیم.

در ادامه زیارت هم تبری از دشمنانشان و... آمده است. بنا بر این در حرم با خواندن زیارت نامه ها باید این اتفاق برای ما بیافتد.

**تحول باطنی در محیط ولایت امام / سفارش اکید به خواندن دعا پس از زیارت**

 نکته بعدی این که حرم امام(ع) بهشت است. کسی که به حرم امام(ع) می آید و وارد بهشت می شود باید یک بویی از بهشت بدهد. مثل ماه رمضان که حضرت فرمودند : «در ماه رمضان درهای بهشت به رویتان باز است و درهای جهنم را بسته اند». پس ما داریم وارد بهشت می شویم و کسی که وارد بهشت می شود باید بوی بهشت بگیرد،. درحرم امام، باید مواظب باشد که اخلاق و رفتارش، اخلاق و رفتار بهشتی ها باشد. به خصوص این که امام رضا(ع) معدن رضا و صبر و اخلاق کریمه و رأفت و محبت است و وقتی ما به حرم ایشان مشرف می شویم باید گردی از صفات امام رضا(ع) بر دل ما بنشیند تا بتوانیم بگوییم زائر شدیم؛ این علامت قبولی زیارت است. گاهی دیده می شود که زائران در صحن امام رضا(ع) سر یک مساله مهم یا غیر مهم، به دوست یا همسر و یا فرزند و... عصبانی می شوند و این در حالی است که انسان حق ندارد برای یک مؤمن صدایش را بلند کند به خصوص این که در حرم امام رضا(ع) باشد حتی اگر فرزند و یا همسرمان باشد.

مراقب باشیم وارد حرم که می شویم خروجی مان باید این باشدکه بهشتی شده باشیم و کسی که وارد بهشت می شود باید بوی بهشت بدهد، اگر کسی زائر شد باید بوی بهشت بدهد، باید بوی امام رضا(ع) بدهد، وقتی به زیارت امام رضا(ع)می آییم سبک می شویم، مثل این که کسی از بالا آب خنکی می ریزد و ما را شستشو می دهد. علاقه مان به دنیا کم می شود، صفات بدمان می رود، محبت مان به دنیا کم می شود، محبت مان به آخرت زیاد می شود، محبت مان به امام(ع) زیاد می شود، به طوری که انسان احساس می کند دارد بهشتی می شود

درحرم از کَرَم امام رضا(ع) زیاد بخواهید، بخیل نباشید. بدترین بخیل ها کسی است که نمی تواند ببیند دیگری از مال خودش به او هم می دهد. امام رضا(ع) بی نهایت دارد و می خواهد به ما بدهد، بخواهید تا بدهد؛ از امام رضا(ع) که چیزی کم نمی شود، اصلا این درب حرم را باز گذاشته اند که ما بیاییم و بخواهیم و ایشان بدهند. نیمه شب، سحر، صبح و ... حرم باز است برای این که در هر زمانی خواستید بیایید، امام رضا(ع) هیچ محدودیتی ندارد. امام بإذن الله فرمانش فرمان خداوند است. کائنات پشت امام است و با این اوصاف، کم خواستن از امام بی سلیقگی است. درضرب المثلی آمده است که شخصی به خدا عرض کرد :خدایا این کوه ها را برای من طلا کن و هر کسی هم که بی سلیقه است و از تو چیز کم می خواهد کورش کن. خدا هم کوه ها را برایش طلا کرد و هم خودش را کور کرد. گنج های خدا کوه طلا و امثال این ها نیست وقتی که محضر امام رضا(ع) می آییم باید از امام رضا(ع) بخواهیم آدم شویم، محبت و معرفت مان زیاد شود، اخلاق مان درست شود و... .

در زیارت **امین الله** یک سلام کوتاه به امام رضا(ع) می دهیم و بعد 13-14 خواسته بیان می کنیم، یعنی "خدایا حالا که من زائر امام رضا(ع) شدم نَفس من را طوری کن که اهل اطمینان به قضاء تو شود، ولع و حرص به ذکر و یاد تو پیدا کند، محب اولیاء تو بشودومحبوب در نزد آسمانی ها و زمینی ها شودو ذاکروشاکر نعمت های تو باشد، صابر بر بلا و مشتاق لقاء تو باشد، توشه تقوا برای آخرتش بر دارد، سنت های دوستان تو و اخلاق اولیاء تو را واجد شود، از اخلاق دشمنان تو فاصله بگیرد، دل مشغول به حمد و ثنای تو باشد". این دعاهایی که ذیل زیارت امین الله آمده یعنی این که انسان ذیل زیارت امام آمادگی پیدا می کند که خدای متعال در نفسش دست ببرد و آن را تغییر دهد. زیارت امام انسان را مهیا می کند که خدای متعال او را تغییر دهد و از جهنم به بهشت ببرد و برای همیشه او را از دست شیطان و نفس نجات داده و وارد محیط رحمت خودش کند. لذا وقتی انسان وارد حرم می شود باید بوی بهشت بدهد، باید بهشتی شده باشد. خوی و اخلاق و رفتارش باید بوی بهشت بدهد، باید حقیقتا تائب شده باشد و از گذشته خودش برگردد و آن چه که احتیاج دارد از امام بخواهد. از این جهت گفته اند زیارت را که خواندید حتما دعا بخوانید.

از جمله این دعاها، دعای **عالیه المضامین** است. خواسته های خیلی بلندی در این دعا وارد شده است، امام را در آن دعا واسطه قرار دهید و بگویید: خدایا به احترام امام این خواسته های مرا اجابت کنید . بعد هم به امام(ع) عرضه می کنیم: شما شفاعت کن خدای متعال این خواسته ها را به من بدهد که خیلی خواسته های با عظمتی است. اولین جمله این است: «اول حاجتی إلیک أن تغفر لی ما سلف من ذنوبی علی کثرتها» خدایا اول حاجت من در حرم امام رضا(ع) این است که ‌همه گذشته مرا پاک کن، غفلت ها، گناهان، شرک ها و العیاذ بالله بی توجهی به تو و ... همه را پاک کن؛ «و أن تعصمنی فیما بقی من عمری» و این که ما بقی عمر مرا نگهدار باشی که گناه نکنم، اینها حاجات ما به سوی خدای متعال است. باید این دعاها را با توجه بخوانیم و دست پر از حرم بیرون برویم. فرمودند:« همه حاجات کوچک و بزرگتان را از خدای متعال بخواهید»، خدای کوچک و بزرگ یکی است. نگویید یک لقمه نان را نباید از خدا خواست مگر نان را غیر از خدا هم می دهد؟ هم مقام توحید و هم لقمه ی نان حضرت ابراهیم را خدا می دهد. همه چیز از خداست، همه را از خدا بخواهید، همه را به شفاعت ائمه(ع) از خدا بگیرید ولی توجه داشته باشید این حاجت های کوچک مانع حاجت های بزرگ نشود. درهای حرم امام رضا(ع) به سوی آسمان باز است، رو به عرش خداست. فرمود:«اگر کسی امام رضا(ع) را زیارت کند: «کمن زار الله فی عرشه»(4) گویا خدا را در عرش زیارت کرده است». در دعای عالیة المضامین هم حاجات دنیایی مطرح شده است و هم حاجات آخرتی، هیچ حاجتی به ذهن شما نمی آید الا این که بهترش در این دعا وارد شده است. انسان باید این دعاها را یاد بگیرد و إن شاء الله بعد از زیارت هایمان هم بر این دعاها مداومت کنیم.

**حفظ حالات معنوی زیارت از گزند شیطان**

نکته آخر این که در حرم امام رضا(ع) که می آییم حتما بوی عطر امام را گرفته ایم، مواظب باشیم بیرون می رویم این بوی عطر از ما جدا نشود. فرمود: «خدا به یک دسته از زائرین سیدالشهداء(ع) و همین طور به زائرین امام رضا(ع) می فرماید: مثل روزی که از مادرتان متولد شدید پاک شدید، بروید از این به بعد مواظب خودتان باشید که پاک بمانید». خیلی مقام بالایی است که آدم مثل روز تولدش پاک شود. ‌یک عده ای هستند از آن هم بالاتر، به ایشان می گویند: هم پاک شدید هم‌ آینده تان تضمین است ؛ یعنی طوری وارد محیط ولایت امام رضا(ع) شدید که دیگر دست شیطان به شما نمی رسد و در واقع بیمه امام رضا(ع) شدید و آینده عمرتان هم تأمین شده است. زائر باید این طور باشد که وقتی به حرم امام رضا(ع) می آید گذشته و آینده اش را تأمین کند. اگر بخواهیم این طور باشیم که هم گذشته و هم آینده مان تأمین باشد باید وقتی وارد حرم امام رضا(ع) می شویم دیگر از حرم بیرون نرویم.

. شیطان بیرون حرم امام رضا(ع) ایستاده است، «ولایة علی بن ابی طالب حصنی» اگر از حصن ولایت خارج شدیم شیطان یقه مان را می گیرد و این در حالی است که ما حریف شیطان نیستیم، شک نکنیم که احدی از ما حریف شیطان نیست. در دعای **صباح** امیرالمؤمنین(ع) این طور آمده که: «خدایا اگر تو مرا تنها بگذاری نفس و شیطان در این معرکه مرا زمین می زنند». شک نکنید بیرون حرم امام رضا(ع)، نفس است وشیطان و این دو حریف ما هستند. ما نباید از حرم امام رضا(ع) بیرون برویم. البته نه به این معنا که به خانه هایمان برنگردیم بلکه به این معنا که وقتی به خانه مان بر می گردیم دلمان برنگردد، از این جهت است که هنگام خداحافظی در دعای وداع این طور می گوییم: «من میروم ولی خسته نیستم، پشیمان هم نیستم»

در مورد نماز هم همین طور است، یک کسی هنگام نماز خواندن اصلا تا آخر وارد نماز نمی شود، الله اکبر می گوید ولی ‌نمازی نخوانده است. بعضی دیگر وارد نماز می شوند ولی وقتی نمازشان تمام شد ایشان هم از نماز بیرون می آیند. ولی عده ای از افراد وقتی وارد نماز می شوند دیگر از نماز بیرون نمی آیند، «فی صلاتهم دائمون» هستند، بازارشان هم مابین نماز و توجه به خدا و ذکر است. وقتی وارد حرم امام رضا(ع) می شوید مراقب باشید که دیگر از حرم بیرون نروید، کوچ کردید و آمدید محضر امام رضا(ع)، دوباره برگشتن به وطن غلط است، انسان که از بهشت دوباره به دنیا بر نمی گردد. بزرگی راجع به یکی از خوبان و اولیا که از دنیا رفته است می فرمود : "من ایشان را در عالم رؤیا دیدم گفتم حاضر هستی به دنیا برگردی، بدون هیچ صحبتی این مطلب با عظمت را به من القا کرد که اگر تو حاضری برگردی به رحم مادرت من هم حاضرم برگردم به این دنیا". حرم امام رضا(ع) واقعا بهشت است اگر کسی وارد حرم شد دیگر نباید دلش بخواهد به دنیا برگردد باید الی الابد در این حرم بماند.

اگر این طور زیارت کردید دیگر همیشه تحت حصن امام رضا(ع) هستید و شیطان حساب کار خودش را می کند. مانند طفل وقتی دستش را به دست پدرش داده است، آن کسی که می خواهد جیبش را بزند حساب کار خودش را می کند ولی همین که دستش از دست پدرش جدا شد هزار نفر پیدا می شود که هوس کند جیبش را بزند. شیاطین این طور هستند تا دست انسان در دست امام رضا(ع) است و دلش نیز پیش او است جرأت ورود به این حریم را ندارند ولی همین که خودت دستت را جدا کردی و از امام دور شدی، آنجا منتظرند و حریف ما هم هستند. سرمایه ما را هم می شناسند، هر چه به دست آورده بودیم همان دم حرم از جیب انسان می گیرند. وقتی انسان در بازگشت به درب حرم می رسد شیطان تحریک می کند عصبانی می شوی و همه آنچه را که بدست آورده بودی از دست می دهی. و یا یک جمله نابجا از دهانت در می آید و یا غیبتی می کنی، کسی را اذیت می کنی و یا این که یک نگاه شبهه ناک می کنی و... با این اوصاف اگر انسان از حرم امام رضا(ع) خارج شود خطرناک می شود.

در بازار، اداره، آشپزخانه، مدرسه و ... باشیم ولی مشغول هر کاری که هستیم دلمان پیش امام رضا(ع) باشد و از حرم بیرون نرویم. إن شاء الله خداوند همه ما را زائر حقیقی امام رضا(ع) قرار دهد.

گریزوروضه

به نقل از عطیّه عوفى ـ : همراه جابر بن عبد اللّه انصارى ، براى زیارت قبر حسین بن على علیه السلام حرکت کردیم. هنگامى که به کربلا رسیدیم جابر به کرانه فرات نزدیک شد و غسل کرد و پیراهن و ردایى به تن کرد و کیسه عطرى را گشود و آن را بر بدنش پاشید و هیچ گامى برنداشت جز آن که ذکر خداى متعال گفت تا این که به قبر نزدیک شد و [به من ]گفت: دست مرا بر قبر بگذار

چون دست او را بر قبر گذاشتم بیهوش ، بر روى قبر افتاد. کمی آب بر او پاشیدم و هنگامى که به هوش آمد سه بار گفت : اى حسین !

حبیب لا یجیب حبیبه!؟

آن گاه گفت : دوست پاسخ دوست را نمى‌دهد ؟!

سپس گفت: چگونه پاسخ دهى در حالى که خون رگ هایت را بر میان شانه ها و پشتت ریختند و میان سر و پیکرت جدایى انداختند؟! گواهى مى‌دهم که تو فرزند خاتم پیامبران و فرزند سَرور مؤمنان و فرزند هم پیمان تقوا و چکیده هدایت و پنجمین فرد از اصحاب کسایى و فرزند سالار نقیبان و فرزند فاطمه سَرور زنانى ؟! و چگونه چنین نباشى در حالى که از دست سَرور پیامبران غذا خورده اى و در دامان تقواپیشگان پرورش یافته اى و از سینه ایمان شیر نوشیده اى و با اسلام تو را از شیر گرفته اند .

پاک زیستى و پاک رفتى؛ امّا دل هاى مؤمنان در فراق تو خوش نیست بى آن که در این تردیدى رود که همه اینها به خیرِ تو بود. سلام و رضوان خدا بر تو باد ! و گواهى مى‌دهم که تو بر همان روشى رفتى که برادرت یحیى بن زکریّا رفت .

آن گاه جابر دیده خود را گِرد قبر چرخاند و گفت: سلام بر شما اى روح هایى که گرداگردِ حسین فرود آمده، همراهش شدید ! گواهى مى دهم که نماز را به پا داشتید و زکات دادید و به نیکى فرمان دادید و از زشتى باز داشتید و با مُلحدان جنگیدید و خدا را پرستیدید تا به شهادت رسیدید. سوگند به آن که محمّد را به حق برانگیخت در آنچه به آن در آمدید با شما شریک هستیم.

به جابر گفتم: اى جابر! چگونه [با آنان شریک باشیم] ، با آن که ما نه به درّه اى فرود آمدیم و نه از کوهى بالا رفتیم و نه شمشیرى زدیم ، در حالى که اینان سرهایشان از پیکر جدا شد و فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه شدند؟!

جابر گفت: اى عطیّه ! شنیدم که حبیبم پیامبر خدا صلى الله علیه و آله مى فرماید : «هر کس گروهى را دوست داشته باشد ، با آنان محشور مى شود و هر کس کارِ کسانى را دوست داشته باشد، در کارشان شریک مى‌شود» و سوگند به آن که محمّد را به حق به پیامبرى بر انگیخت نیّت من و همراهانم همان است که حسین علیه السلام و یارانش بر آن رفته اند. مرا به سوى خانه هاى کوفه ببر.

هنگامى که بخشى از راه را رفتیم گفت: اى عطیّه ! آیا سفارشى به تو بکنم که دیگر گمان ندارم پس از این سفر تو را ببینم ؟ دوستدار خاندان محمّد را تا زمانى که آنان را دوست مى دارد دوست بدار و دشمن خاندان محمّد را تا زمانى که با آنان دشمن است دشمن بدار هر چند روزه گیر و شب زنده دار باشد، و با دوستدار محمّد و خاندان محمّد رفاقت کن که اگر یک گامش از فراوانىِ گناهش بلغزد گام دیگرش به محبّت آنان استوار مى‌مانَد؛ چرا که دوستدار آنان به بهشت باز مى‌گردد و دشمن آنان به سوى آتش [دوزخ ]مى‌رود.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

 (1) كامل الزيارات، النص، ص: 309

(2) المزار الكبير (لابن المشهدي)، ص: 429

(3) الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏1، ص: 187

(4) الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏4، ص: 585